

موقع معامله:

۱۰. ثانه نخم مرغ

بعداً معلوم می شود موقع عقد، ۳ ثانه نخم مرغ ناسد بوده

معامله نسبت به ۳ ثانه ← باطل

معامله نسبت به ۱ ثانه ← صحیح

ولی خریدار حیار تبعض صفت دارد - ^{حق فسخ} / تقطیع شدن

غیر تائید

باطل

صحیح

← مختص عقد صحیح

فسخ
اثامہ
انفساخ

عقد رضای ايجاب + قبول

عقد عینی ايجاب + قبول + قبض

رهن، وقف، بیع صرف، عقد حبس، هبه

عقد تشریاتی ايجاب + قبول + تشریفات

انتقال سهام در شرکت با مسئولیت محدود - ضمانت باید با سند رسمی
فروش اموال محکوم علیه

(رنوعاً)

مقدور باشد

اگر موضوع معامله، مال است، قابلیت تسلیم داشته باشد

اصولاً حين العقد ملاک است

در عقد مطلق ← قدرت در سر رسید محکم است

در عقد فصولی ← در زمان تنفیذ محکم است

در عقد معلق ← قدرت در زمان حصول معلق علیه محکم است

رای وحدت رویه ۸۸

اگر مبیع مستحق للقبض درآید، مالک رد کنند

ثمن رای تواند بگیرد ← صحیح

خریدار اگر جاهل بود { غایبات هم می تواند بگیرد از فصول
به فصولی بودن

عند التزم ایجاب بر اساس ارزش قیمت (نوم) احوال مشابه مبیع
اربع کارشناس

حکمی از دادگاه صادر و لازم الاجرا می‌شود. در خصوص حق محکوم‌له نسبت به درخواست حبس محکوم‌علیه با رعایت سایر شرایط، کدام مورد درباره محکوم‌به صحیح است؟

دیه

(۱) فقط ضرر و زیان ناشی از جرم، رد مال و محکوم‌به پولی تمام احکام حقوقی

(۲) فقط ضرر و زیان ناشی از جرم، رد مال و وجه هر نوع سند

(۳) فقط دیه، ضرر و زیان ناشی از جرم و وجه هر نوع سند

(۴) دیه، ضرر و زیان ناشی از جرم، وجه سفته و وجه چک

محکوم‌له
محکوم‌علیه
محکوم‌به

اعمال ماده ۳

ورشکسته محجور نیست.

حق تصرف در اموال خودش را ندارد.

عقد
(مضاربه)

عامل

ورشکسته نشود.
مال سرمایه

احلیت

عقل بلوغ رشد

در امور مالی

عقل بلوغ

در امور غیر مالی

در عقد نکاح ۱- هم دلیل ✓ ۲- هم عقل ✓ باید احلیت داشته باشد

همان درجه از احلیت که برای انجام موضوع نکاح لازم است

اکراه - ماری - قصد خدشه داری بشود - عقد باطل
معنوی - تهدید - معامله غیرنافذ

اکراه به اعمالی حاصل می شود مؤثر عادتاً قابل تحمل نباشد
جان مال ناموس

تهدید - اکراه جان، آبرو، بندگان، زیر

ملت - تنفیذ کنند - عقد صحیح
رد کنند - عقد باطل

اگر ملک قبل از تنفیذ یارد ضرت کند
له ی رسد به ملک جدید

اگر بعضی تنفیذ کنند = معامله قسمتی صحیح
بعضی رد کنند = قسمتی باطل

خریدار = خیار تبعض صفت دارد.
آدم حسابی

معامله در حال افطار = صحیح = اگر سوءاستناد شود
در حکم ارهی
له خیار عین هم ندارد.

معامله به مال غیر بدون
مالک نیستم
 مالک
 مالک نیستم
 نمایندہ ہم نیستم

فصول
 اصل (خریدار قرضی، متعامل قرضی)

مالک -
 تنعید -
 رد کنند -
 معامله صحیح
 معامله باطل

افہار نظر مالک
تنعید یارد
 صریح
 ضمنی
 رتی افہار نظر مالک نہ خبردار شدہ -
 اگر اطلاع ندارد
 نہ تنعید نہ رد

نَظَرِيَّةٔ تَوْنِ عَلَمِي

فَضُولِي

مَرغ

حَارِثِيَّة

تَارِخِ عَدَدِ نُسَبِه



صَحْه
رَاج

تَاریخِ موضعِ حِجَالِه

① علم باشد $\neq$ مجهول باشد

② معین باشد $\neq$ مرد دنیاست

در عقد حِجَالِه $\rightarrow$ عمل موضع حِجَالِه می تواند مرد دنیاست

~~جهل نه~~

کوی رود رنگال ریف

عامل

من

جامل

پیدا کردن ریف

جعل

محل موضوع جعله

کدین (پاداش)

نقص — تلف جزئی

عقد صحیح

اثانہ نفع مرغ

تلف بیع قبل
از بعض

منفسخ

۴ اثانہ نفع مرغ از بین ی

بعد از عقد و قبل از تسلیم

خیار بعض صفتہ → ۶ اثانہ همیان عقد با رجا

در محلات فضوی طبری (سلسله وار)

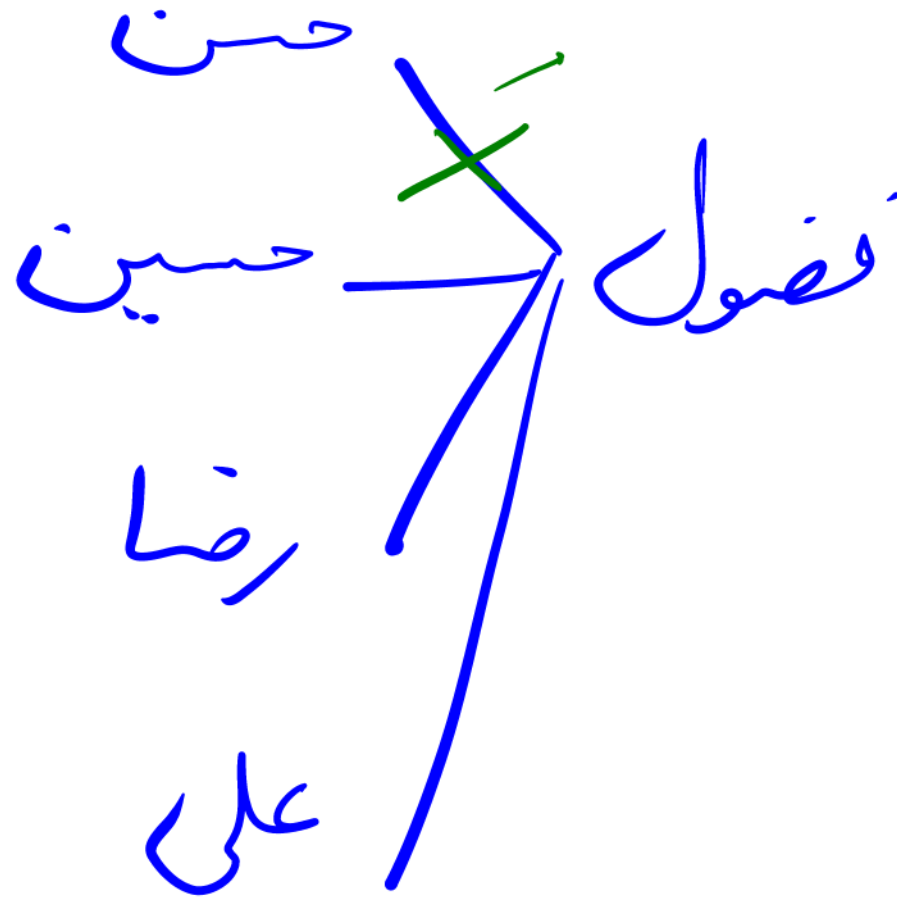
فضول ^{باصطلاح} حسن  رضا  علی

در باب با علم به محلات فضوی - محله ای را تنفیذ کند - آن محله صحیح
به بعدی ما صحیح

قبل ما، باطل

رد ضعیفی

عوامل تفضولی عرضی



طاب

اگر طالب با علم به سایر حالات قضی، معامله‌ای را رد کند

آن معامله باطل

یقیناً محضاً عَرَّانَه

شرایط موضوع معامله

مالیت داشته باشند

از زن داردند

ملک / نوعی
شخصی

ملک یا درگیری مالی خانوادگی

موضوع معامله - متضمن منفعت عقلایی مشروع

ضمان عهده از باب ص (مسئله برگرداندن ضمن)

سما

خریدار

آیفون ۶

ضامن بیادری اگر بعداً معلوم نشد بیع مستحق للفرق و طالب در رد

این ضامن از عهده ضمن برآید.

اگر موضوع معامله، حین العقد مقدور نبود ← معامله باطل

معامله صحیح
اگر حین العقد، مقدور بود بعداً غیر مقدور شد

به طور دائم غیر مقدور شد ← معامله منفسخ می شود

به طور موقت غیر مقدور شد - اگر معامله منفسخ

تقدیر مطلب

حق فسخ

اشتباه در وصف اساسی



اگر در قصد مشترک طریق وارد شود
صریح
عقد باطل
ضمنی

قصد یکجانبه نباشد

عتیمه - قدمت

وصف اساسی - طلانه - جنس
اسرائیل
میرد

موضوع معامله

عین معین

معیوب بود

شرط صحت نداشت

حق منسوخ

الزام نداریم

مالی در معین

مالی فی الذمه

اگر مال یقین صدقات شده

معیوب بود

الزام

صحت شرط شده نداشت

حق منسوخ مستقیم نداریم

اگر الزام ممکن نبود حق منسوخ

عقد معلق

تعطیل در انشاء

عقد

دترشیدی - باطل

دترگانوزیان - پیش قرارداد

آینده

من و یا لیم را به شما حواجم عرضت

اگر از سر نکالت قبل شوی

تعلیق درُصناً (اش) اش عقد معلق است

من پریدم را به شما فرو ختم اگر ازین وکالت قبول شوی

اش عقد معلق شده

↓ انتقال مالیت معلق شده به قبولی در ازین وکالت

حصول معلق علیہ

در ارضوں رکالت
قبول نشدی

در تعلیق در اثناء — ایجاب و قبول لازم است
(الان)

در تعلیق در صُغاً — به محض قبولی، اثر عقد محقق ^{ی شود}

ایجاب و قبول نیاز نیست.

عقد معلق

↓ تعلیق در مُنتأ

معلق علیه

پرایدم را به شما فرض کنم، اگر آزمون وکالت قبول شوی

قبولی در آزمون وکالت = معلق علیه

رضی در آزمون وکالت قبول می شوی = حصول معلق علیه

عقد معلق
(تعلیق در منشأ) ← اصولاً صحیح

نکاح معلق ← باطل
← استثناء :
در مورد عقد معلق باطل
عقد ضمان نقل زمره
↓
باطل

عقد ضمان نقلی
(نقل ذمہ)

↓ اثر عقد ہے انتقال دین

انتقال دین

→ رخ ی دسد

ضامن

یعنی مضمون عہدہ

دیگر یہ مضمون لہ، بدکار نیست

مضمون عہدہ
(بدکار)

مضمون لہ

(طلبکار)

عقد ضمان (نقلی) معلق باطل

ضمان ضم ذمه
(ضمی)

انتقال دین رخ نمی دهد

(مثل لوه کنار صفین عنه واری می شود)

دین
~~الضمان~~

ضامن

مضمون عنه
(بدکار)

مضمون له
(جلبکار)

عقد ضمان ضم ذمه معلق صحیح است

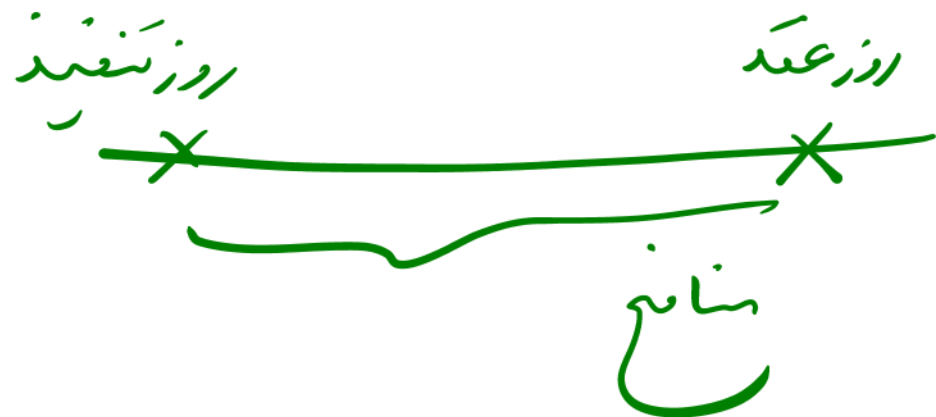
درستال آر تلفت چه نوع عقد ضمان؟

ی‌بریم عقد ضمان نقلی است

من ضامن حسن شدم اگر آزمون رکالت قبول نشود
عقد ضمان نقلی مطلق - باطل

من ضامن ضم ذمه حسن شدم اگر آزمون رکالت قبول شود.

عقد ضمان ضم ذمه معلق - صحیح است.



صرف

فصول

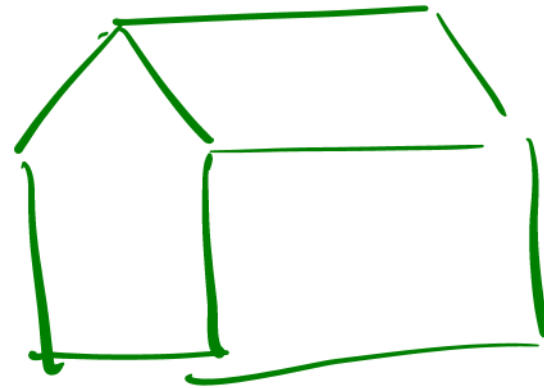
خریدار

مالک

رضا

علی

حسن



مادر است

رضا

۳ دانگ حسن عذیم

۳ دانگ علی به فزولی اردگرد علی

مادر است